

- ۶.....مقدمهٔ ناشر.....
- ۸.....ماه غلبهٔ اسم رحمت.....
- ۹.....حدیث فرشتهٔ داعی.....
- ۱۳.....اتحاد حکم عبد با رب.....
- ۱۵.....رجب؛ عامل شکل‌دهی به شخصیت قیامتی انسان.....
- ۱۶.....استغفار خاص.....
- ۱۹.....ماهی که همه چیز خدایی است.....
- ۲۰.....شرایط یگانه شدن با خدا.....
- ۲۲.....ماه رجب، ماه امنیت از غضب الهی.....
- ۲۳.....بالاترین تقاضا.....
- ۲۴.....نگاهدار سررشته تا نگه‌دار.....
- ۲۶.....کشف رجب در خود.....
- ۲۹.....اتصال به بهشت.....
- ۳۰.....شیر؛ صورت علم توحیدی مخصوص رجبیون.....
- ۳۷.....عسل؛ صورت شور معنوی رجبیون.....
- ۳۸.....ماه ولایی شدن برای ملاقات با حق.....
- ۴۲.....راه به دست آوردن توفیق انجام اعمال این ماه.....
- ۴۳.....اعمالی ساده و برکاتی بزرگ.....
- ۴۵.....سلوک بی‌سر و صدا.....
- ۵۲.....زیرکی بفروش و حیرانی بخر.....
- ۵۴.....تعلیم بس است، تجرید!.....
- ۵۵.....در ربایید این چنین نفعات را.....

مقدمه ناشر

بحث «ماه رجب، ماه یگانگی با خدا»؛ سخنرانی استاد طاهرزاده در جمع برادران و خواهرانی است که مایل بودند با آگاهی بیشتر نسبت به مقام ماه رجب و آداب و انکار آن ماه، نهایت استفاده را از این ماه عظیم الهی ببرند.

در این بحث سعی شده ابتدا جایگاه ماه رجب در متون روایی، خوب تبیین شود و سپس جایگاه انکار و اعمال این ماه در سلوک یک انسان سالک مشخص گردد، تا مؤمنین دانسته و آگاهانه نسبت به آن اعمال برخورد کنند و صرفاً مشغول آداب قالبی آن ماه نگردند.

در این بحث روشن شده است، چگونه انسان به شخصیتی می‌رسد که در روز قیامت به‌عنوان «رجببِـون»

شناخته می‌شود؟ و چگونه خداوند شرایط صعود انسان را در ماه رجب فراهم نموده است؟ و چگونه می‌شود که یک ماه، ظرفیت یگانه شدن با خدا را برای انسان فراهم نماید و فلسفه این‌که ماه رجب، ماه حرام الهی قرار گرفته است چیست و چگونه می‌شود مقام غیبی ماه رجب را در خود احیاء و سپس کشف کرد؟ و چرا از یک جهت در روایت می‌فرماید: ماه رجب، ماه خدا است و از یک جهت می‌فرماید: ماه رجب، ماه امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» است؟ و در آخر، با چند توصیه برای هرچه بیشتر بهره‌بردن از ماه رجب، بحث به اتمام می‌رسد.

انتشارات لب‌المیزان امید دارد که از این طریق توانسته باشد قدمی در هرچه بیشتر بهره‌بردن مؤمنین و مؤمنات برداشته و *إن شاء الله* وسیله احیاء بیش از پیش معارف و اخلاق اسلامی را در جامعه فراهم کرده باشد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حلول ماه مبارک رجب را تبریک عرض می‌کنیم و ضمن سلام به مقام تکوینی ماه رجب، عاجزانه از خدا می‌خواهیم مرحمتی بفرماید که ما از نعمت‌ها و رحمت‌های این ماه محروم نشویم.

ماه غلبه اسم رحمت

رجب؛ ماهی که خداوند جنگ با دشمنان را نیز ممنوع فرموده است، تا برای همه انسان‌ها امن و امان باشد، تا هر کس خواست به جوار حضرت حق نزدیک شود، اسم رحمت حق به استقبال او رود و او را وارد رحمت الهی نماید و طعم ورود به مقام انس با حق را به قلب او بچشاند.

خسران بزرگی است که در ماه عزیز رجب، قلب را نسبت به این ماه متذکر نکنیم. در این ماه باید به قلب بگوییم:

ای قلب! متوجّه باش، وقتی خداوند جنگ با دشمنان خدا را در این ماه ممنوع نموده، بنگر با دوستان خود چه خواهد کرد.

ای قلب! غافل مباش، در این ماه به خطاهای تو نمی‌نگرند، مأیوس هم مباش، می‌خواهند تو را وارد بنده‌های خاص گردانند.

حدیث فرشته داعی

در مورد عظمت و اهمیت ماه رجب توجه کنید به روایت مشهوری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در کتب روایی ما از جمله در کتاب اقبال سید بن طاووس در اعمال ماه رجب و یا در کتاب المراقبات مرحوم آیت الله ملکی تبریزی (رحمة الله علیه)^۱ که به حدیث فرشته داعی «داعی» مشهور است. آن روایت عبارت است از این‌که:

۱- کتاب «المراقبات» مرحوم آیت الله ملکی تبریزی جهت مراقبه ماه‌های رجب و شعبان و رمضان و ذیحجه، کتاب ارزشمندی است. لازم است عزیزانی که می‌خواهند در سلوک قدمی بردارند، از آن استفاده نمایند.

رَوَى عَنِ النَّبِيِّ (صلوات الله عليه وآله): «أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ، مَلَكًا يُقَالُ لَهُ الدَّاعِي»؛ یعنی خداوند یک ملکی در آسمان هفتم دارد که اسم آن ملک «داعی» است. چرا جایگاه این ملک آسمان هفتم است؟ چون آسمان هفتم مقام حقیقت محمدی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است یعنی این روایت بر مقام پیامبر آخر الزمان (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) منطبق است. بعد حضرت محمد (صلوات الله عليه وآله) می فرمایند: «فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ، يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلِكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ» از سر شب تا صبح این ملک ندا می کند. - یعنی نوری از غیب هفتم عالم بر غیب جان شما ندا می کند- یک ارتباط پنهانی باطنی از اَبطن عالم که همان آسمان هفتم باشد و دیگر بالاتر از آن مرتبه ای نیست، ارتباطی از آن باطنی ترین حقایق، با بنیان وجود ما برقرار می شود. آری؛ خداوند آن ملک را مأمور کرده است که در این ماه با جان ما حرف هایی را بزند، که عرض خواهیم کرد. خداوند به لطف و کرم خودش به ما کمک کند که در این ماه آن ندا را بشنویم، آری می شود شنید. خودتان ملاحظه کنید، در شروع ماه رجب گویا حال و هوای روحی

شما مستعد پذیرش الطاف خاصی شده است. پس معلوم است آن ندا چون نسیمی بر جان مسلمانان می‌وزد و پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) نیز این نور را می‌بینند که دارند از آن خبر می‌دهند و به ما توصیه می‌فرمایند: خود را برای پذیرش آن الطاف خاص آماده کنید.

حتماً می‌دانید که ماه رجب قبل از اسلام هم مورد توجه بوده است. حضرت نوح (علیه‌السلام) در ماه رجب کشتی‌شان را حرکت دادند، چون در چنین شرایطی امید بیشترین لطف را داشتند. در تاریخ داریم که خود اهل مکه با این‌که مسلمان نبودند حرمت این ماه را حفظ می‌کردند، چون رعایت حرمت ماه رجب و استفاده کردن از الطاف خاص خداوند در این ماه در پیام سایر پیامبران (سلام‌الله‌علیهم) هم مطرح بوده است و اهل مکه در عین بت‌پرستی، تحت تأثیر توصیه انبیاء گذشته بوده‌اند.

این ملک «داعی» چه می‌گوید؟ ملاحظه کنید این انوار به قلب می‌خورد «طُوبَى لِلذَّاكِرِينَ، طُوبَى لِلطَّائِعِينَ» یعنی ملک می‌گوید، خوشا به حال آنهایی که اهل ذکر حق هستند،

خوشا به حال آنهایی که اهل اطاعت از حق هستند و لذا به جهت گفتار این ملک، علاقه‌ای به ذکر خدا و کششی به سوی اطاعت بیشتر در شما ایجاد می‌شود. ملک می‌گوید: ای ذاکران! مطیعان! مستغفران! مژده، مژده، بشارت، بشارت. «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا جَلِيسٌ مَّنْ جَالَسَنِي»؛ این ملک می‌گوید که خدای تعالی می‌فرماید: کسی که با من بنشیند، من با او می‌نشینم، من همنشین کسی هستم که با من همنشین شود. یعنی خداوند در این ماه از طریق سرورش **ملک داعی**، مخلوقش را به همنشینی با خودش دعوت می‌کند و برمی‌انگیزاند. و حتماً می‌دانید با ذکر و یاد خدا و رعایت دقیق حرام و حلال حضرت حق است که ما یاد خدا می‌کنیم و این‌ها وسیله‌ای است که آدم زمینه‌ای فراهم کند تا با خدا بنشیند. خداوند خبری را در این ماه خاص به طالبان انس با حق می‌دهد که بنده می‌تواند همنشینی خاص الهی را در این ماه برای خود تهیه ببیند و به واقع لطفی از این بالاتر نیست، گفت:

زان بود که ترک سرور کرده‌ای

این که بینی مرده و افسرده‌ای

می‌خواهند در این ماه راه انس با حق را برای ما باز کنند. دیده‌اید بعضی مواقع از بودن خودتان خسته شده‌اید، دائماً حوصله‌تان سر می‌رود؟! این به جهت قطع ارتباط باطنی قلب است با حق، حالا اگر انس با حق وارد زندگی و جان‌تان شد و خداوند جلیس شما شود، حوصله سررفتن برایتان معنی نمی‌دهد. چرا که:

هر که در خانه‌اش صنم دارد گر نیاید برون چه غم دارد

اتحاد حکم عبد با رب

ادامه سخن حضرت حق این است:

« وَ مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَنِي »؛ الله اکبر! خیلی عجیب است، خداوند می‌فرماید: در این ماه بدانید که من اطاعت می‌کنم از کسی که از من پیروی کند. ببینید مشکل چقدر عجیب حل می‌شود. مگر ما گاهی نمی‌خواهیم از شرّ یک مشکل یا از یک فساد اخلاقی و از وسوسه‌های آزاردهنده، راحت شویم؟ می‌فرماید: این ماه آن زمانی است که اگر یاد مرا در قلبت زنده کنی و از من اطاعت کنی، آن وقت هر چه بخواهی، من از تو اطاعت می‌کنم و هر چه بخواهی به تو

می‌دهم. یعنی از دریچهٔ رجبی شدن، می‌شود حوائجی را که خداوند حاضر و مایل است به ما بدهد، به ما بدهد. یعنی بندهٔ رجبی، بنده‌ای است که می‌تواند کاری کند که حکم خدا با حکم خود آن بنده متحد شود.

خداوند سخت عاشق بنده خودش است و به دنبال آن است که بنده‌اش از او چیزی بخواهد تا درخواست آن بنده را اجابت کند. حالا در ماه رجب این محبت و عشق به بندگانش به اوج خود می‌رسد و لذا خودش در دهان بنده‌اش می‌گذارد که من مطیع کسی هستم که از من اطاعت کند، پس بنده عزیز من! یک قدم در راه بندگی من بردار، و بعد شروع کن از من چیز خواستن، من مطیع درخواست‌های تو هستم. این سفره به صورت خاص آن در ماه رجب گسترده شده است و لذا باید هنر استفاده کردنش را به دست آورد.

رجب؛ عامل شکل‌دهی به شخصیت قیامتی انسان

در همین جا یادتان بیاوریم که در روایت هست: «در روز قیامت در موقف محشر، یعنی در آن تنهایی محض، ندا می‌آید: «أَيْنَ الرَّجِيُونِ»؛ یعنی کجایند کسانی که در ماه رجب، با خدای خود انس خاص گرفتند و نگذاشتند ماه رجب به راحتی از دستشان برود؟ پس معلوم است که با اعمال ماه رجب برای انسان یک نوع شخصیت خاص پدید می‌آید، یعنی رجبی شدن یک نوع وجود تکوینی و یک هویت خاص برای انسان به وجود می‌آورد که در عالم قیامت که حقایق ظاهر می‌شود، این شخصیت خاص آن‌ها ظاهر می‌گردد. رجبی شدن، چیز ساده‌ی اعتباری مثل اسم‌گذاری روی افراد نیست که بدون رابطه با حقیقت افراد باشد.

در عظمت ماه رجب، رسول‌خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» می‌فرمایند: ماه رجب؛ ماه عظیم خدا است که هیچ ماهی از نظر حرمت و فضل در نزد خدا هم‌تراز آن نیست. حتی در زمان جاهلیت ماه رجب را محترم می‌شمردند، و اسلام عظمت آن را مورد تأکید قرار داد. بعد فرمودند: **إِنَّ رَجَبَ شَهْرُ اللَّهِ** و **شعبانُ شهرى** و **رمضانُ شهر أمتى**، یعنی رجب ماه

خدا است و شعبان ماه من است و رمضان ماه امت من است.^۲

استغفار خاص

در ادامه روایت هست که آن ملک از زبان خدا می فرماید: «غَافِرٌ مَنْ اسْتَغْفَرَني» من بخشنده آنم که از من بخشش خواهد. معلوم است استغفار ماه رجب، استغفار خاص است. عموماً یکی از ذکرهای ماه رجب ذکر استغفار است و به شکل های مختلف هم آمده است، همه اش روی حساب است. آنجا که در گفتن استغفار، «ربّی» ندارد و می فرماید: هر روز ۷۰ مرتبه صبح و ۷۰ مرتبه عصر بگوید: «اسْتَغْفِرُاللهَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ» چون در دامن ربّ ماه رجب خود را قرار داده دیگر انسان واژه «ربّی» را نمی گوید، بلکه توجه و توبه اش به سوی «الله» است. حتماً متوجّه اید «الله» مقام جمع اسماء الهی است، لذا با دستور دادن به انجام این ذکر می خواهند قلب متوجّه «الله» باشد، همان طور وقتی که «ربّ» را در ذکر می آورند می خواهند قلب توجّه اش به

مقام ربوبیت حق باشد و لذا عرض ما این است که شکل این زکرها روی حساب است و همان طور که روایت آورده باید گفت و در ایجاد حالات قلبی مطابق آن ذکر کوشش کرد تا نتایج فوق العاده آن *إِنْ شَاءَ اللَّهُ* نصیب شما شود.

باز در رابطه با استغفار ماه رجب می فرمایند: ۱۰۰ مرتبه یا ۴۰۰ مرتبه در این ماه بگویید: «*أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ*». یعنی از خدایی که جز او الهی نیست و یگانه و بی شریک است، طلب غفران و آمرزش می نماید و به سوی او جهت قلبم را قرار داده ام. که در این استغفار؛ «*اللَّهُ*» را برای قلب خود ترسیم می کنی و یگانگی محض او را برای خود تفهیم می کنی و سپس «*وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ*» را می گویی، یعنی من از حضرت «*اللَّهُ*» که جامع جمیع اسماء الهی است، می خواهم که مرا ببخشد، آن *اللَّهِ* که قطب قلب من است و جز او نمی شود کسی اله و معبود جان من باشد و من به سوی چنین خدای یگانه ای که تمام مقصد قلبم هست، آمدم. عجیب است اگر کمی به قلب خود عادت دهیم که این ذکر را با حضور بگو، می بینید حال و

هوایش عوض شد. روی « وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ » با حضور قلب تأکید کنید و متوجه باشید دارید می‌گویید: به سوی او آمدم. خوشا به حالتان با چنین کلماتی و چنین تصمیمی!

باز می‌فرماید بسیار بگو: « اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ اَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ »؛ یعنی خدایا غفران و بخشش تو را طلب می‌کنم و تقاضا می‌کنم که توبه مرا بپذیری و به من نظر کنی. اولاً؛ می‌گویی: از الله یعنی از حضرت جامع همه خوبی‌ها می‌خواهم مرا در بر بگیرد - مثل دربرگرفتن کالایی که شما گرد و خاکش را پاک می‌کنید و وارد خانه‌تان می‌کنید - ثانیاً؛ می‌گویی: از او که فرمود: من دوست دارم بنده‌ام دستور دهد تا آن را عمل کنم، تقاضا می‌کنم به من توجه فرماید، به من محل بگذارد. خوشا به حالتان با چنین کلمات و چنین تصمیمی!

روی بنما و وجود خودم/زیادبیر خرم‌ن سوختگان/راهمه‌گوبادبیر چون خودش در این روایت می‌فرماید: در این ماه «غافِرٌ مَنْ اَسْتَغْفَرَني»؛ بخشنده کسی هستم که توبه کند و بخواهد وارد یک حیات معنوی شود، آن هم حیاتی معنوی‌ای بدون

هرگونه کدورتی از گناه و غفلت، پس باید با استغفار امید چنین حیاتی را داشت.

ماهی که همه چیز خدایی است

ادامهٔ روایت هست که خدا می‌فرماید: «الشَّهْرُ شَهْرِي» ماه، ماه من است. چه قدر آدم دلش گرم می‌شود که کجا آمده است و با چه شرایطی روبه‌رو است. با زمانی روبه‌رو است که خداوند آن را به خودش نسبت داده. می‌فرماید: «وَالْعَبْدُ عَبْدِي» بنده هم بندهٔ من است. وقتی می‌فرماید: ماه، ماه من و بنده هم بندهٔ من است، یعنی جا دارد که روح بنده با این ماه متحد شود تا با صاحب این ماه ارتباط یابد. به ما خبر می‌دهد شرایط و مقامی است که من در این ماه بنده‌ام را برای خودم خالص می‌کنم. من و شما را در این ماه به‌عنوان بنده خودش می‌نگرد و آلودگی‌ها و عصیان‌هایمان را نمی‌نگرد. زمینهٔ یگانه شدن بنده با خدا در این ماه فراهم است، این ماه عجیب است.

شرایط یگانه شدن با خدا

این ماه در میان شیعیان آن قدر که لازم است و حق این ماه عزیز است مورد توجه قرار نگرفته است. اهل سنت عظمت ماه رجب را خوب متوجه هستند، هر چند با حالتی صوری و قالبی به آن نظر دارند، ولی به واقع پیامبر (صلی الله علیه و آله) عنایت خاصی به این ماه داشتند. می فرماید: این ماه، ماه من است. حال ببینید ماه خدا بودن، یعنی این که در آغوش این ماه به راحتی می توانیم برای خدا یگانه شویم، مثل این که در مورد مگه می فرماید: «بِئْتِي»؛ یعنی خانه من؛ و شما ملاحظه کرده اید که در کنار خانه او چه رازها در راستای یگانه شدن برای انسان گشوده می شود. یگانه شدن یک مبنای نظری و فکری دارد و یک مبنای عملی. هم باید بینش و قلب انسان در این ماه با خدا یگانه شود، این با «استغفار» و ذکر «لا اله الا الله» که هر دو هم از انکار این ماه است، محقق می شود. و هم یگانه شدن، عملی

باید باشد که آن هم به کمک «روزه» محقق می‌شود. روزه یگانه شدن برای خداست. حال ببینیم مزه‌هایش چیست؟^۳

در ادامه روایت می‌فرماید: «وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتِي» یعنی رحمت در این ماه، همه رحمت است، آن هم رحمت من است، بدون حجاب واسطه‌ها، یعنی در این ماه خودم به اسم رحمان به صحنه می‌آیم تا شما با من ملاقات کنید و رحمت را به واسطه‌ها نسبت ندهید و توجه شما به واسطه‌ها معطوف نشود. پس در این ماه رحمت فراوان است، آن هم رحمتی مستقیم از حضرت «الله» پس از طریق رحمت‌های فراوان این ماه، راه ارتباط با خود حضرت حق گشوده می‌شود، راه خاصی که رجبیون با خدا خواهند داشت.

«فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ اجِبْتُهُ» هرکس مرا در این ماه بخواند اجابتش می‌کنم و جوابش را می‌دهم. شاید بگویید خدایا ما همیشه و هر وقت تو را بخوانیم اجابت می‌کنی. ولی معلوم است این دعوت خاص است که می‌فرماید: اگر

۳- برای روشن شدن معنی مزه روزه، به کتاب «روزه، دریچه‌ای به عالم معنا» رجوع فرمایید.

مرا بخوانی، اجابت می‌کنم و یک اجابت و جواب‌گویی خاصی را همراه دارد، حجاب‌ها را مرتفع نموده و فاصله‌های زمانی را برداشته تا به راحتی آن اجابت خاصه نصیب ما شود.

ماه رجب، ماه امنیت از غضب الهی

آیت‌الله ملکی «رحمة الله علیه» در کتاب المراقبات در رابطه با ماه رجب به عنوان یکی از ماه‌های حرام می‌فرمایند: در ماه‌های حرام خداوند آنچنان غضبش فروکش می‌کند که حتی بر دشمنان هم آن غضب فروکش می‌کند، لذا در ماه حرام اگر دشمنتان، یعنی دشمن اسلام هم به شما حمله نکند، در این ماه باید ترک مخاصمه کرد. دشمن اسلام اگر حمله نکند، یعنی اگر جهاد دفاعی نباشد باید ترک مخاصمه کرد، یعنی غضب خدا در این ماه این طوری است. مگر غضب خدا بر دشمنان خدا جاری نیست؟ ولی این ماه این قدر عجیب است که خداوند می‌فرماید: باید به دشمنان خدا هم امنیت بدهید. این یعنی چه؟ یعنی شرایط غیبی این ماه ما را در شرایطی قرار می‌دهد که عامل فاصله‌گرفتن و دور افتادن ما از مقام غیبی عالم ملکوت که همان غضب خداست، در این ماه در

صحنه نیست و لذا در چنین شرایطی زمینهٔ ارتباط ما با خدا شدیداً فراهم است. به همین جهت است که می‌فرماید: هر کس مرا بخواند استجابت می‌کنم. این یک نوع استجابت خاص است. یعنی تو در این ماه در هر شرایطی از گناه هستی، اگر آمدی، هرچه بگویی به سرعت اجابت می‌شود. در شرایط دیگر این‌طور نیست.

بالاترین تقاضا

در ادامه می‌فرمایند: «وَمَنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ» حرف دهنِ ما گذاشته است. می‌فرمایند: ای بنده من! اگر از من چیزی بخواهی به تو می‌دهم، پس چرا نمی‌خواهی؟ و اگر از من طلب هدایت و راه‌جویی کنی، تو را هدایت می‌کنم، راه و چاه را به تو نشان می‌دهم. بلکه حرف یاد ما دادند که ما در این ماه از خدا بخواهیم که خدایا ما را هدایت کن. ما انوار غیبی تو را رها کنیم، کجا برویم؟ و دعاهایی که ائمه (صلوات‌الله‌علیهم) در این ماه دارند در همین راستاست، که ما را به سوی خود راهنمایی کن و خودت را به ما بفهمان که جز تو مقصدی نیست که ما قلبمان را

به سوی او جهت دهیم، خلاصه متوجّه شویم: « نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد»؛ اگر کسی معنی هدایت را بشناسد، و بفهمد یعنی چه، خداوند ما را در این ماه به «هدایت» مژده داده است، با تمام وجود برای به دست آوردن آن می کوشد که گفت:

لَا زَنُورَ هِدَايَتٍ غَرَّ أَكْهَى يَابِي

چو شمع خنده زنان، ترک سرتوانی کرد

نگاه دار سررشته تا نگه دارد

« وَ جَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي » این ماه را چون یک ریسمان قرار دادم بین خود و بندگام. پس ماه رجب به عنوان یک شرایط استثنایی است تا انسان از آن استفاده کند و بالا برود، مثل یک طناب که یک سر آن در دست خدا است و یک سر آن را رها کرده تا ما بگیریم و بالا رویم، با اعمال و آداب مخصوص این ماه می توان سرطناب را برای بالا رفتن گرفت. عمده آن است که متوجّه شویم این ماه یک رشته ای است بین ما و خدا، انسان عاقل به چنین طنابی محکم چنگ می زند. چرا که گفت:

مراتاجان بود درتن، بکوشم مگر از جام/ و یک جرعه نوشم

چون فرصت استثنایی است، پس:

گرت هو است که معشوق نگسلد پیوند نگاه دار سر رشته، تانگه دارد

« فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ وَصَلَ إِلَيَّ » کسی که به ریسمان ماه

رجب چنگ بزند به من وصل می شود. عرض کردیم چنگ زدن به آن هم مشخص است، یعنی آداب ماه رجب را قلباً و عملاً رعایت کند، چون در میکده وصل به حق را گشوده اند و آنهایی که چنین گشودگی را احساس می کنند، ندا سر می دهند:

الْمِنَّةُ لِلَّهِ كَمَا فِي مِكْدَةٍ بَازِ اسْت

وین سوخته را بر در او روی نیاز است

خُم هاهمه در جوش و خروش اند، زمستی

و آن می که در آنجا است، حقیقت نه مجاز است

شرح شکن زلف خُم اندر خُم جانان

کوته نتوان کرد که این قصه دراز است

بر دوخته ام دیده چو باز از همه عالم

تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است

چون ماه رجب، ماهی است که حجاب هم مرتفع می شود و انسان در قلب خود احساس می کند با خدا در ارتباط است

و در نتیجه دیده از همه دنیا باز می‌گیرد و به همه چیز پشت‌پا می‌زند، موقع درد دل کردن با محبوب واقعی برایش سر می‌رسد، که گفت:

رازِی که بَرِ خَلقِ نَهفتیم و نَگفتیم

با دوست بگوئیم که او محرم راز است

در این حالت گویا همواره در حال راز و نیاز با حق است که:

در کعبه کوی تو هر آن کس که در آید

از قبلهٔ ابروی تو در عین نماز است

ای مجلسیان! سوزِ دل حافظ مسکین

از شمع بپرسید که در سوز و گداز است

چون فرمود: هر کس به ریسمان من - یعنی ماه رجب -

چنگ بزند به من وصل خواهد شد و قصهٔ وصل، قصهٔ ای

است پرسوز و گداز:

ای مجلسیان! سوزِ دل حافظ مسکین

از شمع بپرسید که در سوز و گداز است

کشف رجب در خود

ما دوباره به آن نکته قبل در این جا باید مجدداً تأکید کنیم، این که در قیامت می فرماید: «أَيْنَ الرَّجَبِيِّونَ»؛ این یک نکته دقیقی است و خبر از یک حقیقت بزرگی می دهد. می دانید که در قیامت داریم: «يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ» (قمر/۶۷)؛ یعنی روزی که دعوت کننده ای دعوت می کند و می خواند. که این خواندن و دعوت کردن منطبق است بر بنیاد روح انسان ها، و یک خواندن اعتباری نیست. یعنی همین طور که جهنم، جهنمیان را می خواند و جذب می کند، بهشت هم بهشتیان را جذب می کند. در همین راستا و با توجه به چنین شرایطی «رجبیین» افرادی هستند با مقامی خاص، یعنی یک مقامی که در بعضی انسان ها به جهت استفاده کردن از ماه رجب محقق می شود و در عالم قیامت، آن مقام ظاهر می گردد، آن وقت این افراد در آن عالم شاخص هستند، یعنی یک نوع بزرگی و آبرومندی برای آن ها در قیامت هست. به همین جهت می خواهیم عرض کنیم «رجب» یک مقام تکوینی است که هرکس می تواند در درون خودش به نحوی آن را احیاء و کشف کند. اگر احیاء شد آن وقت می بینید مقامی

است که اگر طبق روایت، یک روز از آن را روزه بگیرید، موجب «دفع جهنم» است، روزه دوم آن موجب «ایجاد صراط» است. یعنی چه که از صراط می‌گذریم؟ یعنی جاده‌ای به سوی بهشت برایمان کشیده می‌شود. «صراط» جاده به سوی بهشت است و لذا روزه دوم ماه رجب موجب پدید آمدن صراطی است که آن صراط به سوی بهشت است. یعنی انسان با دومین روزه ماه رجب، قلب خود را به سوی بهشت جهت می‌دهد، و دیگر قلب او در توجه به عالم معناست و در این دنیا سرگردان نیست، او انسان جهت دار شده است. روزه سوم آن «ایجاد بهشت» است، یعنی وصل به بهشت. این ماه دارای چنین مقامی

۴- قَالَ مُوسَىٰ بْنُ جَعْفَرٍ (عليه السلام): «رَجَبٌ شَهْرٌ عَظِيمٌ، يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ، وَ يَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ تَبَاعَدَتْ عَنْهُ النَّارُ مَسِيرَةَ سَنَةٍ، وَ مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» (اقبال الاعمال ج ۳ ص ۱۹۱)؛ یعنی «رجب، ماه عظیمی است که خداوند نیکی‌ها را در آن چند برابر و بدی‌ها را محو می‌نماید، هر کس یک روز از ماه رجب را روزه بدارد، آتش جهنم به فاصله یک سال از او دور می‌شود و هر کس سه روز از آن را روزه دارد، بهشت برای او واجب می‌شود». همچنان که در روایت دیگری از رسول خدا (ص) داریم: «هر کس کل ماه رجب را روزه دارد،

است که خداوند این شاءالله توفیقات بهره‌مندی از آن را
برایمان مرحمت کند.

خلقی زبان به دعوی عشقش گشاده‌اند

ای من غلام آن‌که دلش با زبان یکی است

اتصال به بهشت

خود این ماه، ماه رحمت بزرگ خداست که در
دعاهای آن این نکته مورد توجه هست. پس تأکید ما یکی
این است که کاری کنیم این ماه را که در درون ذات هرکس
نهفته است به نام مقام رجبیت، با اعمال این ماه کشف کنیم،
اگر کشف شد خودش جلوه‌ای از بهشت است، یکنحوه
وصل به بهشت است.

خداوند رضایت خود را برای او ثبت می‌کند و کسی که رضایت خداوند برای او

ثبت شد، مورد عذاب قرار نمی‌گیرد». (مصباح‌المتحد ج ۲ ص ۷۹۷)

شیر؛ صورت علم توحیدی مخصوص رجبیون

روایتی که مرحوم شیخ عباس قمی (رحمة الله علیه) در مفاتیح الجنان آورده، اگر عنایت بفرمایید روایت عجیبی است. از امام ابی الحسن موسی (علیه السلام) می فرمایند که: «رجب نام نهری است در بهشت، از شیر سفیدتر و از غسل شیرین تر، هر که یک روز رجب را روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد»^۵ پس اولاً؛ رجب یک نهر است، یعنی مقام است. چون می دانید که آب و درخت در بهشت عبارت است از «مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ یعنی عبارت اند از آنچه شما عمل کردید، یعنی آنچه شما در این دنیا عمل می کنید دو وجه دارد. هرکس هرکاری بکند یک وجه آن «فکر» است و یک وجه آن «حرکت و عمل» است. شما که به لطف خدا نیت روزه ماه رجب را می کنید، این نیت یک فکر است، فکر این که خدایا می خواهم رجبی شوم، این نیت است. و وجه دیگر عملی است که انجام می دهید و آن ترک شهوات مثل

۵- «رَجَبٌ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَخْلَى مِنَ الْعَسَلِ، مَنْ صَامَ يَوْماً مِنْ رَجَبٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ النَّهْرِ» (اقبال الاعمال ج ۳ ص ۱۹۱)؛

غذا خوردن و غیره است. در قیامت درخت و نهرهای زیر آن صورت عقاید و اعمال این دنیایی ما است، و حتماً ملاحظه کرده‌اید در مورد انسان حتی ترک یک کار هم خودش، کار به حساب می‌آید، چون اراده می‌کند که آن کار را نکند و این اراده برای ترک آن کار، خودش یک اراده است و در نفس انسان یک عمل به حساب می‌آید و در قیامت صورت مخصوص به خود را پدید می‌آورد. شما اگر به خانه عمویتان نروید، در خارج کاری نکرده‌اید، ولی در درون اراده به نرفتن را انجام داده‌اید. پس هر کاری یک وجه عقیدتی و فکری، و یک وجه عملی دارد. بزرگان می‌فرمایند: که این «عمل» و «عقیده» است که در قیامت ظهور می‌کند. شراب طهور را در ازای چه چیزی به اهل‌البیت دادند که فرمود: «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً» (انسان/۲۱) چون سه روز روزه گرفتند و افطاری‌شان را هم به نیازمندان دادند، و این شراب طهوری که نصیب این نوات مقدسه شد، خیلی مقام است. چون می‌فرماید: پروردگارشان به آن‌ها نوشاند «رَبُّهُمْ». اگر یک ملکی به ما

یک ذره از آن شراب معنوی بدهد، از شعفِ آن حالتِ معنوی ۶۰ سال فریاد می‌کشیم، حالا اگر پروردگار آن را به کسی بنوشاند، ببین چه می‌شود.

می‌فرماید: «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً»، مگر چه کار کردند؟ با یک «عقیده توحیدی» بسیار عمیق یک «عمل توحیدی» انجام دادند که از نیاز و میل خود برای خدا گذشتند، ظهور آن عقیده و عمل در بهشت چنین شد که فرمود: «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً»، چون بهشت ظهور عقیده و عمل است، برای همین هم در و دیوار بهشت حرف می‌زنند. چون جان انسان آن جا ظاهر است. بهشت و جهنم - هر دو - «تَطَّلِعُ عَلَى الْآفَئِدَةِ» است، یعنی از قلب ما به بیرون ظهور می‌کند و لذا جنس حیات است، مثل حالات قلبی؛ در آیه ۶۵ سوره عنکبوت هم فرمود: «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ»؛ یعنی نظام عالم آخرت سراسر حیات است، یعنی جنس حیات انسان است.^۶

۶- برای پیگیری این نکته می‌توانید به تفسیر سوره «یس» از همین نویسنده رجوع فرمایید.

پس اوّل یادتان باشد که بهشت چیست؟ بهشت ظهور «عقاید» و «اعمال» و «اخلاق» ماست و به جان ما بسته است. یعنی بهشت از ما جدا نیست. آری؛ به عنوان یک واقعیت در بیرون هست، اما به جان ما بسته است. حالا در این بهشت یک نهری است که می‌فرماید: از غسل شیرین تر است و از شیر سفیدتر است، این نهر اسمش «رجب» است. پس اوّلاً؛ کسی که رجبی شد، وصل به این نهر می‌شود. این نهر در کجاست؟ در بهشت. پس کسی که رجبی شد، وصل به بهشت می‌شود. ثانیاً؛ این اتصال بعد از مردن ما هست یا همین حالا؟ امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرمایند: هرکس بگوید بهشت بعد است، از ما نیست.^۷ پس این بهشت همین حالا هست. یعنی إن شاء الله همین امروز که تصمیم گرفتیم در این ماه، رجبی شویم، وارد بهشت شدیم، خدا می‌داند که همین حالا وارد بهشت شدیم.

آیت‌الله جوادی آملی (حفظه‌الله تعالی) بحثی داشتند از کلام امام معصوم حضرت رضا (علیه‌السلام) فرمودند: همین حالا وصل به

۷- رجوع کنید به «توحید صدوق» باب ما جاء فی الرّویة، حدیث ۲۱

بهشت می شویم و همین حالا از بهشت خارج می شویم بستگی به اعمال ما دارد، چون حضرت رضا (علیه السلام) اشاره می فرماید به آیات ۴۳ و ۴۴ سوره عنکبوت که می فرماید: این است جهنمی که گناهکاران انکار می کنند و هم اکنون گناهکاران بین آن جهنم و آب جوشان در حال طواف اند.^۸

پس اولاً؛ ما در ماه رجب وارد بهشت می شویم، الاً این که عده ای نسبت به آن در کمال غفلت به سر ببرند که این ها، وارد رجب نمی شوند، بلکه مثل بقیه زمان های روزگار، وارد یک زمان می شوند ولی اگر ما در عین توجه و انتظار و استقبال وارد رجب شویم، وارد یک مقام خاص از بهشت می شویم، که آن مقام به تعبیر روایت از غسل شیرین تر و از شیر سفیدتر است و آن هم روی حساب است. بزرگان اهل معرفت یک دقت هایی روی این غسل و شیر کرده اند که این ها دو حال و مقام است برای انسان و نه دو نوع غذا.

یکی از مفسّرین می‌گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به‌طور کلی هر غذایی که می‌خوردند، می‌گفتند: الحمد لله. ولی وقتی شیر می‌خوردند می‌فرمودند که خدایا زیادش کن. بعد می‌گوید از طرفی مطابق آیه قرآن، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مأمور هستند که بگویند: خدایا علم مرا زیاد کن، «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»؛ (طه/۱۱۴) پس باید این شیر، در عالم معنا همان مقام علم باشد، یعنی ظهورش در نفس انسان، علم است. مگر علم، جان را تغذیه نمی‌کند؟ بهترین غذا برای جان مادّی، شیر است. و برای جان غیبی، علم است و این دو با همدیگر یک رابطه‌ای دارند.

«محي الدين عربی» در کتاب فصوص الحکم می‌گوید: ابی‌خالد، در خواب دید که شیر خورده است. شب آمد خدمت یکی از عرفاء و خوابش را گفت. آن عارف می‌گوید: این خواب دو حالت و دو مقام دارد. در این‌که این رؤیای صادق است شکی نیست، حال بگو آیا تو دیشب که خواب دیدی شیر می‌خوری، آیا به‌واقع شیری وارد معده‌ات شده؟ گفت: نه! به او گفت: ولی اگر استفراغ کنی، شیر استفراغ

می‌کنی. این یک وجه از تعبیر خوابت، اگر خواستی بر اساس موطن دنیا تعبیر شود، ولی اگر بخواهی بپذیری، شیر یعنی علم، تعبیر خوابت این است که به تو علم می‌دهند. چون شیر در مقام غیب، علم است، در مقام عالم ماده شیر است. ایشان می‌گویند: وسوسه شدم من که شیر نخورده‌ام، پس مگر می‌شود کسی شیر نخورد، ولی خواب شیر خوردن ببیند و بعد شیر خورده باشد و در معده‌اش شیر باشد؟ خودم را وادار به تهوع کردم، دیدم شیر بیرون آوردم، چیز پیچیده‌ای نیست. در روایات هم داریم که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به عایشه فرمودند: که برو روزها را افطار کن - ظاهراً روزه مستحبی بوده - عایشه گفت: چرا؟! فرمودند: چون خودت خودت با غیبتی که کردی، روزها را افطار کردی و گوشت خوردی. گفت کی من غذا خوردم؟ در حالی که گوشت خوردن او، همان غیبتی بود که کرده بود، بعد خودش از لای دندان‌هایش متوجه وجود گوشت خام شد، یعنی عمل غیبی باطنی غیبت، صورت ظاهری حسّی گوشت خوردن به خود گرفت.

مقام شیر در نهر رجب را اهل معرفت می‌فرمایند که در بهشت مقام «علم توحیدی» است. اگر شما ماه رجب را حفظ کنید، ان شاء الله معرفت توحیدی نصیبتان می‌شود. آن وقت آن علم توحیدی ماه رجب، علمی است که به راحتی به دست نمی‌آید، کسی که رجبی شد یک معرفت خاصی پیدا می‌کند که ظهورش همان شیر بودن آن نهر است که از قلب او ظهور کرده‌است، و از شیر سفیدتر بودنش هم به جهت پاک بودن از هرگونه شرک و آلودگی روحی است.

عسل؛ صورتِ شورِ معنویِ رجبیون

و نیز می‌فرمایند: آن نهر از عسل هم شیرین‌تر است، چون عسل، حرکت و گرما و تحرک می‌آورد؛ یعنی آن عسل، اراده‌های توحیدی و همت عمل توحیدی آدم را زیاد می‌کند. ببینید که منظورشان چیست؟ شما گاهی دلتان می‌خواهد که با یک شور و حرارتی بلند شوید و نماز شب بخوانید، ولی خواب نمی‌گذارد. این اراده نماز شب خواندن و راحت و با شور و حرارت و عشق جلو رفتن به اصطلاح علماء اخلاق مربوط به عقل عملی است و این غیر از عقل نظری است که پذیرفته است نماز شب خیلی برکات دارد،

این شور و شیدایی در عبادات، ریشه اش همان غسلِ بهشتیِ مربوط به نهر ماه رجب است. پس حرارت انجام اعمال الهی را رجب به آدم می‌دهد و رجبیون، هم به معرفت خاص و هم به حرارت خاص در فهم دین و عمل به دین دست می‌یابند. با توجه به این مبنا غفلت نکنید که همین حالا با وارد شدن در ماه رجب و استقبال کردن از آن انشاءالله ارتباط با آن شیر و عسل شروع می‌شود.

ماه ولایی شدن برای ملاقات با حق

آن روایت را در کتاب «المراقبات» داشته باشید که می‌فرماید: «ماه رجب ماه خدا است، ماه شعبان ماه پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است و ماه رمضان، ماه امت رسول الله (صلوات الله علیه وآله) است». یعنی با شروع ماه رجب که ماه خداست، نیت سلوک شروع می‌شود، بنابراین از خدا شروع می‌شود و پس از انس با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در ماه شعبان و رعایت اعمال مخصوص ماه شعبان، به یک خودیابی در ماه رمضان می‌رسیم، و بدین معناست که ماه رمضان، ماه امت است. این روایت را با آن روایت جمع

کنید که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: « شَهْرُ رَمَازَانَ، شَهْرُ اللَّهِ وَ شَعْبَانَ شَهْرُ رَسُولِ اللَّهِ وَ رَجَبٌ شَهْرِي »^۹ یعنی؛ ماه رمضان ماه خداست و ماه شعبان ماه رسول الله (صلوات الله علیه وآله) و ماه رجب ماه من است. پس طبق این روایت، به یک اعتبار ماه رجب، ماه یگانگی با خداست، از طریق ارتباط با خود خدا، و به یک اعتبار، ارتباط با خدا بدون اتصال به ولایت ممکن نیست و لذا ماه رجب، ماه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، یعنی صاحب ولایت است، پس ماه رجب ماه امیرالمؤمنین (علیه السلام) یعنی ماه ولایت است. « ولایت » یعنی زدودن جنبه های غیر الهی از دل و رسیدن به یک به خود آمدن ناب. دلی که ولایی شد این دل غیر حق را نمی خواهد، آن وقت این دل به عشق به نبی - که مظهر نمایش صفات حق است - می رسد و برایش طلب نزدیکی به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در ماه شعبان پیدا می شود و تقاضای وارد شدن در سلوک و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در جانش شعله می کشد و در دعای روزهای ماه شعبان می گوید: « اَللّٰهُمَّ فَاعِنَّا عَلٰى الْاِسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ

فیه...»^{۱۰} یعنی خدایا! مرا یاری فرما تا به روش و سنّت پیامبرت نزدیک شوم و بدان عمل نمایم. و حالا در منظر نگاه به وجود مقدّس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلّم) در ماه شعبان، در مقابل خود و در افق جانّت ماه رمضان را مشاهده می‌نمایی و در این حالت ماه رمضان شَهْرُ اللَّهِ، و ماه ملاقات با خدا می‌شود. این دو روایت می‌گوید: خودت را برای خدا در ماه رجب خالص کن، تا بتوانی ولایت و نبوت را بفهمی و از خدا شروع کن - در ماه رجب- و به خدا ختم کن - در ماه رمضان-.

پس با ماه رجب و روزه و استغفار در این ماه یک خلوص اوّلیه و خود را برای خدا آماده کردن داریم. آدم روزه که بگیرد و إن شاء الله دعاهای ماه رجب را هم بخواند و در آن‌ها دقّت و تدبّر کند، توجّه به حق در او زنده می‌گردد. به قول بزرگان می‌گویند: دعاهای ماه رجب عجیب است این قدر عجیب است که عده‌ای از بزرگان می‌فرمایند: بعضی از این دعاها در ماه رمضان هم پیدا

۱۰- مفاتیح‌الجنان، اعمال مشترکه ماه شعبان، صلوات مروّیه از امام سجّاد (علیه‌السلام).

نمی‌شود و انصافاً هم از جهت توحید و ولایت یک مراتب خاصی در دعاهای ماه رجب هست، خدا توفیق‌مان بدهد که هم این دعاها را از اهلش درس بگیریم و هم به کمک آن ادعیه با خدا مناجات کنیم. بعد که توجه به حق از این طریق در انسان زنده شد، ارتباط بیشتر با خدا در او شعله می‌کشد، می‌یابد که باید برای ارتباط حقیقی با حق، دست به دامن صاحب ولایت، یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بزند، این جاست که می‌بیند عجب، پس ماه رجب، ماه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، است و به اذن آن حضرت می‌تواند حق ماه رجب را اداء کند. در مستی ارتباط با حق از طریق نور ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، دل با ماه شعبان روبه‌رو می‌گردد و می‌بیند مخزن اصلی، وجود مقدس صاحب ماه شعبان، یعنی محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) است. در عطش ارتباط با خدا، با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) روبه‌رو می‌شود، آرام آرام این عطش شعله‌ور می‌شود و درست در دل ماه رمضان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) سراغ خدا را می‌گیرد و هم خدا به پیامبرش ندا می‌دهد: «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي، عَنِّي فَانِّبْ»

قَرِيبٌ اُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...»^{۱۱}؛ یعنی ای پیامبر! اگر بندگان من از تو سراغ مرا گرفتند، من خودم به آنها نزدیکم و جواب آنها را می‌دهم. بدون آن‌که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را خداوند در این شرایط واسطه قرار دهد.^{۱۲}

راه به دست آوردن توفیق انجام اعمال این ماه

اجازه دهید تأکیدی عرض کنیم تا ان شاء الله بتوانیم در این ماه نتیجه بهتری بگیریم. **اول**؛ ایجاد زمینه نورانیت فکری و قلبی است به کمک ادعیه و تأمل در محتوا و فرهنگ آنها، که عامل و زمینه نورانیت بسیار خوبی برای قلب است، و حیف است که این دعاها را از دست بدهید، پس با یک برنامه‌ریزی سعی بفرمایید از ادعیه ماه رجب استفاده کنید. **دوم**؛ ایجاد زمینه همت عملی است از طریق روزه. در این ماه بالأخره هر کس به جایی رسید، نهایت

۱۱- ۱۸۶/بقره

۱۲- برای بررسی بیشتر این موضوع به نوشتار «رمضان، دریچه رؤیت» رجوع فرمایید.

استفاده را از ماه رجب کرد و نهایت استفاده آن این است که تصمیم بگیرد إن شاء الله همه ماه رجب را روزه باشد، کار مشکلی نیست، ولی برکات آن غیرقابل تصور است.

اعمالی ساده و برکاتی بزرگ

خدا رحمت کند مرحوم آیت الله ملکی تبریزی را، یک تذکری که در تمام کتاب المراقبات مرتب تکرار و تأکید می کنند و به خصوص در اعمال ماه رجب و ماه رمضان، می گویند: شما ببینید مثلاً می گویند اگر این ده رکعت نماز را هر شب در ماه رجب بخوانید غیر ممکن است که وارد بهشت نشوید. حالا ممکن است یکی بگوید این ده رکعت که چیزی نیست. مگر می شود برای عملی در این حد ساده، چنین نتیجه ای بزرگ بدهند؟ ایشان می فرمایند: «اگر چیزی نیست، که چیزی هم نیست، پس چرا از بین این همه آدم که زیر پرچم اسلام هستند، عدّه بسیار قلیلی این عمل را انجام می دهند؟» پس معلوم است از جهت دیگری چیزی هست، وگرنه اکثر مسلمانان انجام می دادند. ایشان می فرماید: «خدا می خواهد بنده اش را امتحان کند ببیند اعتماد به حرف خدا دارد یا نه؟ اعتماد به حرف امام معصوم دارد یا نه؟»

امام معصوم (علیه السلام) می فرماید: این کار را بکنید این نتایج را دارد، ولی از آن جایی که ما اعتماد نداریم . می گوئیم مگر می شود. آن وقت چون نمی دانیم که می شود یا نمی شود حرف را جدی نمی گیریم و همین موجب ضرر می شود. امّا آن طرف قضیه را خودتان می دانید با اینکه به واقع آسان است، همه انسان ها توفیق انجام آن را ندارند، پس معلوم است از جهتی کار مشکلی است ولی اگر توفیق انجامش را به دست آوریم خود عمل، کار مشکلی نیست، چون که تمام دعاهاى ماه رجب یک ساعت بیشتر طول نمی کشد. حال اگر انسان یک ساعت در هر روز ماه رجب خودش را برای ماه رجب فارغ کند بسیار نتیجه می گیرد، که به نظر می رسد ما خیلی بیشتر از این ها وقت هایمان را بدون استفاده می گذرانیم. پس آری چیزی نیست، ولی عمده همت ماست که بتوانیم توفیق عمل پیدا کنیم و اگر همین تذکر آیت الله ملکى «رحمة الله علیه» را به قلبمان تفهیم کنیم و به خدا و ائمه معصومین اعتماد نماییم، توفیق انجام اعمال و قرائت ادعیه فراهم می شود، بالأخره می خواهند با همین کارهای ساده ما را به درجات بالا برسانند.

تأکید بیشتر ما روی این قضیه است که ماه رجب ماهی است که ما باید دنبال کشف یک کمالی باشیم که همه این اعمال و انکار، مقدمه آن کمال است و مرتب خودمان را آماده و آماده‌تر کنیم تا آن کمال در ما پیدا شود که وقتی به طور کلی در قیامت ندا می‌کنند: «أَيْنَ الرَّجِيِّونَ» این‌شاءالله ما جذب آن دعوت شویم.

سلوک بی‌سر و صدا

گاهی دوستان می‌پرسند انکاری که بتوانیم به کمک آنها اهل سیروسلوک شویم چیست؟ اصل قضیه را خودتان متوجه هستید بنده عرض می‌کنم تا این‌شاءالله با هم راه بیفتیم. ببینید ما دو نوع عارف داریم؛ یک نوع عارفِ پرآوازه که عموماً همه مردم آن‌ها را می‌شناسند و بنا به مصلحتی که نزد خدا محفوظ است، خداوند آن‌ها را به مردم شناسانده است؛ و یک نوع عارف بی‌سروصدا هم داریم، که بی‌سروصدا از عمق جان، نورانی شده‌اند. عموماً بزرگانی که به حقایق وصل شدند سروصدا ندارند و شما هم باید بی‌سروصدا دنبال نورانی شدن جان خود باشید و

این نکته را باید به خوبی برای خودتان حل کنید که شما بنا ندارید آوازهٔ سیر و سلوکتان به گوش احدی برسد. شما فکر می‌کنید کم آدم پیدا شده که بی‌سروصدا ماه رجبش را حفظ کرده‌است، ماه شعبان و ماه رمضان را حفظ کرده، پنج‌شنبه اول ماه و آخر ماه و چهارشنبه وسط ماهش را روزه گرفته و بحمدالله به جاهایی رسیده، بدون آن‌که اصلاً کسی او را به عنوان اهل سیر و سلوک بشناسد، به طوری که حتی عرفای پرآوازه غبطه او را می‌خورند. این‌ها از چه طریقی به این درجات رسیده‌اند؟ از طریق همین ماه رجب و اعمال و اذکار وارده. اصلاً بالاتر از برکاتی که در ماه رجب هست در زیر این آسمان برکت نیست. در ماه رمضان که روزه‌داری واجب است، پس اعمال مستحبی که شما بخواهید به آن دست پیدا کنید و از برکات آن بهره بگیرید، خدا می‌داند بالاتر از اعمال ماه رجب اعم از روزه و دعا و اذکار آن، زیر این آسمان نیست. همان‌طور که به ما خبر داده‌اند در این ماه یک شعوری برای آدم پیش می‌آید، یک ملکاتی و فهمی گیر آدم می‌آید که دیگر گفتنی نیست، خوشا به حال رجبیون. ما شنیده‌ایم و امیدوار شده‌ایم. پس

اعمال و ذکرهای ماه رجب دستورالعمل به جایی رسیدن است. این اعمال موجود در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی «رحمة الله علیه» در ماه رجب یک دستورالعمل سلوکی است که به کمک احادیث معصوم تدوین شده است. وقتی که به دوستان می‌گوییم آقا به کمک دستورات مفاتیح ماه رجب و شعبان و رمضان خود را حفظ و احیاء کنید، فکر می‌کنند که ما کار را دست کم گرفتیم.

فرمودند که: دیده شده از دهان شیخ عباس قمی «رحمة الله علیه» نور بیرون می‌آمد. یعنی این مفاتیح، نور است. ایشان شاگرد مرحوم آیت‌الله قاضی طباطبائی «رحمة الله علیه» بوده است. مرحوم قاضی طباطبائی یعنی استاد علامه طباطبائی «رحمة الله علیه» را جناب آقای حدّاد آن عارف بزرگ در وصفش می‌فرماید: من سیر کردم در باطن همه عرفای تاریخ، بالاتر از آیت‌الله قاضی «رحمة الله علیه» بعد از معصوم ندیدم. مرحوم شیخ عباس قمی شاگرد عرفانی مرحوم آیت‌الله قاضی طباطبائی بوده و مفاتیح را با چنین روح و روحیه‌ای تدوین کرده است. خودش اهل سیر و سلوک است، ولی نه سیر و سلوک

باسروصدا که یک چیزهایی بگوید که ما بگوییم خوشا به حالش، نه، این‌ها بی سروصدا هستند، گفتنی نیست.

مرحوم راشد فرزند مرحوم ملاعباس تربتی در کتاب «فضیلت‌های فراموش شده» می‌گوید: «یک هفته قبل از فوت پدرم یک دفعه نوری حدود یک ساعت آمد در خانه ما که همه می‌دیدیم، پدرم می‌خواست در مقابل آن بلند شود نمی‌توانست، گریه کرد و گفت: «السَّلَامُ عَلَیْکِ یا زَيْنَبُ کُبْرٰی!». مرحوم راشد می‌فرماید: پیوسته پدرم همان‌طور که در بستر بیماری خوابیده بود، سر خود را به عنوان سلام تکان می‌داد و نور حدود یک ساعت حضورش ادامه داشت، همچنان پدرم گریه می‌کرد و به یک‌یک ائمه و پیامبر (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) و فاطمه زهرا (علیهاالسلام) سلام می‌داد. جناب آقای راشد که این قضیه را نقل کرده آدم دیر باوری است و خودش هم می‌گوید من عموماً سعی می‌کردم این‌گونه موارد را باور نکنم تا این‌که خودم با چشم‌هایم دیدم. او می‌گوید: بعد از این قضیه، چند بار از پدرم پرسیدم این

قضیه چه بود؟ ایشان در جواب من می گفتند: حسنعلی، این‌ها چشیدنی است و نه شنیدنی.

غرض از این عرایض این است که کسی مثل ملاعباس تربتی به جایی می رسد که در آخر عمر نور ائمه معصومین (سلام الله علیها) به سراغش می آیند ولی هیچ وقت ادعایی هم ندارد،^{۱۳} فقط با نمازهای طولانی و روزه‌های سالیانه به این جا رسیده است. ماه رجب و دستورات آن این طوری آدم را به مقصد می رساند و تربیت می کند. عرفای شیعه بی سروصدا هستند و با ماه رجب هم به جاهایی که باید

۱۳- مرحوم شیخ عباس قمی «ره» را دعوت می کنند که يك ماه رمضان را در مسجد گوهرشاد مشهد منبر رود. هنگامی که مرحوم ملاعباس تربتی خبردار می شوند تصمیم می گیرند جهت استفاده از مواعظ مرحوم شیخ عباس قمی به مشهد بروند. روز اول خود را پشت ستون مسجد پنهان می کند که شیخ عباس قمی «ره» او را نبینند، ناگهان چشم شیخ عباس قمی «ره» به او می افتد. همان وسط منبر می گویند: مردم! شما آمده اید که استفاده بپذیرید، کسی در این مجلس هست که بهتر از من این کار را می تواند انجام دهد، اجازه دهید همه ما این يك ماهه از او استفاده کنیم و از منبر پایین می آیند و با اصرار، مرحوم تربتی را بالای منبر می فرستند و تمام طول ماه رمضان پای منبر او می نشینند.

آیا این حرکات، نشانه سلوک حقیقی و وصول به حقایق عالم نیست؟

برسند، رسیدند. دنبال این و آن راه افتادن به هیچ دردی نمی خورد. بروید دنبال دستورات ائمه که در امثال مفاتیح الجنان هست. اعمال ماه رجب، روزه روز دوشنبه هر هفته یا چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه اول و آخر ماه، بی سروصدا، کار خودش را می کند. ان شاء الله یک چیزهایی به دست می آورید که به کسی نمی توانید بگویید، کسی هم نمی تواند به شما بگوید، بیایید ما و شما امیدوار باشیم. بنا هم نیست به کسی بگویی الا اینکه مأمور باشید، آن کسی هم که مأمور است دست بقیه را بگیرد که مقامش، مقام ولایت و نبوت است و من و شما در این مقام ها نیستیم. اگر زرنگ باشید از یک شواهدی اصل مطلب را می فهمید، همان کافی است. مرحوم آیت الله طالقانی «رحمة الله عليه» زرنگ بود. عصر روز بیست و یکم آبان سال ۱۳۵۷، امام خمینی «رحمة الله عليه» فرمودند: حکومت نظامی را بشکنید و بروید در خیابان ها، هرچه می خواهد بشود. مرحوم آیت الله طالقانی «رحمة الله عليه» جهان دیده است، سیاست می شناسد، می داند در موقع حکومت نظامی ریختن در خیابان ها یعنی چه؟ امام «رحمة الله عليه» می فرمایند: باید بریزید در خیابان. مرحوم طالقانی تلفنی به

امام «رحمة الله عليه» می گویند: آقا خطرناک است، مردم را می کشند، و اصرار می کنند و می گویند: امام زمان (عجل الله تعالی) راضی نیستند. امام خمینی «رحمة الله عليه» می فرماید: از کجا که دستور امام زمان (عجل الله تعالی) نباشد؟ آیت الله طالقانی «رحمة الله عليه» چون اهل فهم است، یک مرتبه مطلب را می گیرد و می گوید ببخشید. و تنها چیزی که امام «رحمة الله عليه» بعدها در باره آن صحبت نکردند همین بود و آیت الله طالقانی «رحمة الله عليه» هم همین قدرش را می توانستند بگویند. آیا آن که مردم در خیابان بریزند، دستور درستی بود یا نبود؟ یعنی اگر آن شب مردم به دستور امام «رحمة الله عليه» در خیابان نریخته بودند، مطمئن باشید هنوز انقلاب اسلامی محقق نشده بود. عرفای ما که ادعا ندارند، بی سروصدا هستند. امام «رحمة الله عليه» در کتاب های «مصباح الهدایه» و یا «شرح دعای سحر» یک چیزهایی یواشکی فرموده اند که اهل نظر می گویند خیلی مراتب را باید طی کرده باشد، ولی بی سروصدا. تأکید ما همین باشد که دعاها و روزه و ذکرهای ماه رجب بصیرتی به انسان می دهد که آن بصیرت آن چنان است که فقط می توانید آن بصیرت را داشته باشید و با آن زندگی کنید، یعنی چشیدنی

است و نه شنیدنی، إن شاء الله. به شرطی که از حالا، عزمتان این باشد که بنای سر و صدا نداشته باشید.

زیرکی بفروش و حیرانی بخر

تأکید بعدی هم باز روی ماه رجب است. ماه رجب قدرت آدم درست کردن دارد. ما چیزی نمی دانیم به شما بگوییم، فقط همین را بگوییم که: مرحوم آیت الله ملکی تبریزی «رحمته الله علیه» در کتاب المراقبات می فرماید: «حتی به علماء پیشنهاد می کنم که این ماه، تحقیق علمی - یعنی حتی تحقیق در قرآن و روایت را - کم کنند و به عبادت بپردازند». چه کسی این را می گوید؟ کسی که هم مجتهد است و هم در عین حال شاگرد ملاحظه سینقلی همدانی است، حسّی غیب شناس دارد، غیب را می شناسد. می فرماید: من پیشنهاد می کنم در این ماه تحقیق علمی، بحث و درس را کم کنید و به عبادت بپردازید. یعنی ادراک مقام رجب طبق دستوراتی که ائمه (علیهم السلام) به ما داده اند از طریق عبادت بیشتر ممکن است.

البته کسی که آن قدر علم ندارد که با این دعاها ارتباط و اتحاد پیدا کند اول باید برود و دعاها را بفهمد،

حتی اگر نشد به راحتی مقصد آن‌ها را درک کند باید برود، آن‌ها را درس بگیرد. وقتی اظهاراتی را می‌کنی که در دعا هست، باید قلبت تصدیق کند، قلب که تصدیق کرد بعد إن شاء الله راه می‌افتد. به همین جهت ما پیشنهادمان این بود که مباحث خودمان را در این سه ماه رجب و شعبان و رمضان تعطیل کنیم، به دوستان هم عرض کردیم، دین‌دانی بس است، دین‌داری اصل است. ممکن است حضورتان در این جلسات با انگیزه دین‌دانی باشد و ضرر کنید، نمی‌دانیم عزیزان با یک شور معنوی می‌آیند یا با یک کنجاوی علمی؟ گفت:

زیرکی‌ظن است و حیرانی نظر زیرکی‌بفروش و حیرانی بخر
یعنی کنجاوی علمی بد نیست، ولی ما را به این نکته می‌رساند که احتمال وجود حقایق را می‌دهیم، چشم دلمان را باز نمی‌کند تا به حقایق نظر کنیم. راه رسیدن به حقایق، راه حیرت است که با تزکیه و عبادت به دست می‌آید، همان حیرتی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) از خدا تقاضا می‌کردند که: «رَبِّ زِدْنِي تَحِيْرًا»، خدایا! حیرت مرا بیفزای. از خدا

بخواید در این سه ماه رجب و شعبان و رمضان، فضای معنوی و سلوک روحانی در تمام رابطه مان حاکم باشد.

تعلیم بس است، تجرید!

آفت این جلسات علمی این است که آدم با خودش درگیر نیست، می آید ببیند که بقیه چه می گویند؟ این خوب نیست، گاهی آدم باید ببیند که خودش چه می گوید؟

یک هفته قبل از ماه رجب؛ خدمت آیت الله حسن زاده «حفظه الله» بودیم دوستان عرض کردند که آقا چه دستوری برای ماه رجب می دهید؟ ایشان با یک تأکید و شدتی گفتند: «در ماه رجب بروید خودتان را ورق بزنید». عرض ما نیز همین است که باید یک جوری خودمان را ارزیابی کنیم. می گویند: «تعلیم بس است، تجرید» تجرید یعنی با خود بودن، تعلیم یعنی از غیر چیز یاد گرفتن. اگر من برای شما بگویم و شما حرف های مرا گوش کنید، پس کی به خودتان برگردید؟ آن تجرید، آن یگانه شدن با خود، کو؟!

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند: «از وقتی که من از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم که روزه ماه رجب و شعبان چه

نتایجی برای مؤمن دارد، دیگر هیچ وقت تا آخر عمرم روزه ماه رجب و شعبان را ترک نکردم». باید از خدا بخواهیم که هم توفیقش را بدهد و هم معرفتش را. و از خدا بخواهید که توفیقات کم نخواهیم، باید خود خدا همت ما را بلند کند. سه روز روزه چرا؟ روزه همه ماه را می‌خواهیم. روزه همه ماه رجب را چرا؟ روزه ماه شعبان را هم می‌خواهیم. و روزه شش روز اول ماه شوال را هم می‌خواهیم، یک جوری باید کار، اساسی شود.

در ربایید این چنین نفحات را

در روایت داریم که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»؛^{۱۴} یعنی در روزگار و گاه و بیگاه در زندگی‌تان نفحات و نسیم‌های معنوی برجانتان می‌وزد، آگاه باشید که خود را در معرض آنها قرار دهید. حال چگونه خودمان را در معرض نفحات ماه رجب قرار دهیم تا آن بصیرت و همت و شور بندگی را پیدا کنیم؟ مسلم همین دستورات ماه رجب را با اطمینان

عمل کردن، مساوی است با در معرض نجات و نسیم‌های
ماه رجب قرار گرفتن. به گفتهٔ مولوی:

گفت پیامبر (ص) که نَفَحَتُ هَای حَقُّ اندر این ایام می‌آرد سبق

گوش و هوش دارید این اوقات را در ربایید این چنین نجات را

نَفَحَةُ ای آمد شما را دید و رفت

هر که رامی خواست جان بخشید و رفت

حتماً تجربه کرده‌اید. گاهی شده است که وقتی طرف را
نگاه می‌کنید فکر می‌کنید او هیچ معرفتی از معارف الهی و
هیچ توانی از توان‌های سلوکی را هم ندارد. اما خداوند
برایتان روشن می‌کند که همهٔ آن چیزهایی که ما آرزویش
را داریم، او با همتش به دست آورده است، چون خود را
در معرض نجات ماه رجب قرار داده و از برکات ماه رجب
سرسری نگذشته است.

نَفَحَةُ ای دیگر رسید آگاه باش تا از این هم وانمانی خواجه! تاش

یعنی تلاش کن نَفَحَةُ ماه رجب را لااقل در امسال از
دست ندهی. می‌گوید: من به این گرفتاری‌ها و محرومیت
افتادم، شما مواظب باشید محروم نشوید. مولوی در آخر
دفتر دوم مثنوی در مورد موانع رسیدن آن نجات به قلبش

و ظلماتی که در اثر لقمه و غذا پیش می‌آید درد و دلی دارد. می‌دانید که مولوی آن چنان نبوده است که خودش اراده کرده باشد تا شعر بگوید، بلکه به جهت ریاضت‌ها و آمادگی‌های روحی در یک جذبۀ معنوی وارد می‌شده و دیگر بی‌اختیار شعر، بلکه معانی و معارفی بزرگ را در قالب نظم می‌گفته و اطرافیان‌ش به خصوص حسام‌الدین چلبی آن‌ها را می‌نوشته‌است. مولوی در درِ دِل خود می‌گوید: عجب! من یک لقمه اضافه خورده‌ام تمام روح خاک آلوده شده و در اثر آن لقمه، گویا خاری در روح فرو رفته، می‌گوید:

سختُ خاک آمیز می‌آید سُخُنْ آب‌تیره شد سرِ چَهِ، بندکن

یعنی دیگر نمی‌توانم در آن جذبۀ باشم و احوالات

معنوی که به من می‌رسد را در قالب شعر بگویم:

دوش دیگر کون این می‌داد دست لقمه‌ای چندی در آ مدره به بست

به خاطر لقمه‌ای، این همه ظلمت و پریشان‌حالی! پس باید

از کف پای لقمان وجودم آثار این لقمه‌های اضافی را با

روزه گرفتن در آورم.

یعنی قبلاً حالات معنوی رنگارنگ و خوبی داشتم، چند
لقمه اضافه خوردم، همه آن‌ها رفت. لقمه کارش این است،
گاهی یک لقمه اضافی در غیب را می‌بندد.

از برای لقمه‌ای این خار خار

از کف لقمان برون آرید خار

خاردان آن را که خرما دیده‌ای

زانکه بس نان کور و بس نادیده‌ای

پیش از این کین خار پاپیرون کنی

چشم تاریک است، جولان چون کنی

فعالیت بدون بصیرت نتیجه نمی‌دهد، اول باید با
روزه‌داری چشم دل را از کوری نجات داد و سپس راه
افتاد.

بهر لقمه گشت لقمانی گرو وقت لقمان است ای لقمه برو

جان لقمان که گلستان خداست

پای جانش خسته خاری چراست

همین طور است که لقمه اضافی پای جان انسان را
خسته می‌کند و سیر روحانی انسان را متوقف می‌نماید.

شاید برایتان پیش آمده باشد یک بار که گرسنه نیستید ولی باز غذا می‌خورید، می‌بینید که چه قدر روحتان ظلمانی شد و میل‌هایتان تماماً زمینی و پست گشت. برای یک لقمه این همه دغدغه، این همه وسوسهٔ درونی، به طوری که احساس می‌شود همهٔ شور و نور دین از قلب رفت.

از برای لقمه‌ای این خارخار از کف لقمان برون‌آرید خار
در ماه رجب خاری را که در کف پای لقمان جانمان فرورفته است باید در آوریم تا بتواند جَولان دهد و گرنه وقتی چشم دل بسته است هر چه هم جولان کنی به جایی نمی‌رسی «چشم تاریک است، جولان چون کنی».

خاردان آن‌را که خرما دیده‌ای زان‌که بس‌نان کوروبس نادیده‌ای
این فرومایگی است که انسان وصل به نان است، یک نحوه کوری است، کوری به جهت حجاب نان. آن وقت نمی‌فهمی این خرما فعلاً خارِ جان است.

جان لقمان که گلستان خداست پای‌جانش خستهٔ خاری چراست
حتماً امتحان کرده‌اید، در شرایطی که گرفتار نان و غذا هستیم، وقتی که خدا را می‌خوانیم، عقل می‌گوید: خدا، ولی جان و قلب نمی‌گوید. چرا وقتی که می‌خواهیم دعا

بخوانیم، قلب همراه نمی شود؟ ریشه اش کجاست؟ ریشه اش ماه رجب نداشتن است. «جان لقمان که گلستان خداست» مگر قلب مؤمن، عرش رحمان نیست؟ چه شده که آن احساس خدا داری از بین رفته است؟

اُشتر آمد این وجود خارخار مصطفی زادی بر این اُشتر سوار
شتر چه می خواهد بخورد؟ سرش را زیر می اندازد و
خار می خورد. یک مصطفی «صلوات الله علیه و آله»، یک پیامبر، یک انسان
روحانی، یک جان ملکوتی، روی این شتر نشسته است. این
شتر باید سرش را بالا آورد، او بخورد و ما هم بایستیم که
نمی شود! یک کوزه عطری روی این اشتر است، اشتر زیاد
نباید به سوی زمین خم شود، چراکه این کوزه می افتد، باید
سرت را بالا بیاوری. در ماه رجب ان شاء الله و به لطف خدا
باید سرتان را بالا بیاورید.

اُشتر آمد این وجود خار خار مصطفی زادی بر این اشتر سوار
مگر ما از نسل مصطفی (صلوات الله علیه و آله) نیستیم؟ ما همه مان
فرزندان روحانی پیامبر (صلوات الله علیه و آله) هستیم. ما سوار بر اشتر
بدن هستیم.

اُشتر! تُنگِ گلی بر پشتِ توست کز نسیمش در تو صد گلزار رُست

مواظب باش با توجّه به زمین و میل‌های زمینی این
تُنگ عطر نیفتد. تنگ عطری که از نسیمش صدگلزار را
معطر می‌کند، تمام احوالات و خلوت‌های تو را به حال و
نشاط می‌کشانند.

میل‌توسوی مغیلان است و ریگ تاچه گل‌چینی ز خار مُردگی
همان‌طور که شتر از خار مغیلان و ریگ بیابان، گل
سرسبز نمی‌تواند به دست آرد. تو هم با نان و غذا
نمی‌توانی نسیم روحانی روحت را به دست بیاوری.
ای بگشته زین طلب از کوبه‌کو چندگویی کین گلستان کُووگو
گلستان پیش تو است با توجه بیش از حد به نان، آن
گلستان گم شده است. اوّل باید خود را از حاکمیت نان آزاد
کنی.

پیش از آن کین خارِپا بیرون کنید

چشم تاریک است جولان چون کنید
حالا هرچه درس تفسیر بیاییم و نماز بخوانیم، تا این
جان را از میل‌های فاسدِ حاکم بر روح، آزاد نکنیم، هرچه
بدویم فایده‌ای ندارد، این خار وقتی کف پای جان آدمی
هست، هرچه بدود بیشتر فرو می‌رود.

بیش از آن کین خارِ پا بیرون کنید

چشم تاریک است جولان چون کنید

پس اول باید خودتان را از این میل‌های بدنی آزاد کنید، آن وقت باور کنید غذا هم که می‌خورید نور می‌دهد. در روایت داریم که: « مؤمن وقتی غذا بر او حاکم نبود، افطارش نورانش می‌کند».

بعد مولوی یک نکته خیلی بیدار کننده‌ای را مطرح می‌کند که چگونه وجود مجرد نامحدود انسان، محدود به یک لقمه نان می‌شود و این با این که خیلی عجیب است ولی واقعیت دارد.

آدمی کومی‌نگنجد در جهان درس‌رزاری همی‌گردننهان

ملاحظه می‌کنید از یک طرف تمام دنیا برای انسان کم است، همه دنیا نمی‌تواند شما را قانع کند ولی یک وقت هم در یک لقمه نان گم می‌شویم. اسیر یک لقمه نان می‌شویم، چه طور شده است که انسان اسیر می‌شود، آدمیت او گم می‌شود؟ این حرف اصلی ما است، در این ماه بیایید آن وسعت آسمانی خود را از گم شدن در محدوده دنیا، نجات دهیم، بقیه‌اش هم به امید دعاها و ذکرها. و این که زیارت

اباعبدالله (علیه السلام) را شروع ماه رجب قرار بدهید، چون خواستند ما به همه چیز برسیم، راه معاشقه با اباعبدالله (علیه السلام) را برای ما باز کردند، که شروع خوبی برای ورود به ماه رجب است.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»